دریچه

تونسی‌ها بر سر دوراهی نظام پارلمانی یا ریاستی

■ نوشتن قانون اساسی جدید تونس همچنان ادامه دارد و هر از گاه مشاجرات زیادی را در مجلس ملی تدوین قانون اساسی برمی‌انگیزد به طوری که گاه تا ماه‌ها کار این نهاد را مختل می‌کند. به‌خصوص درباره اینکه ترکیب کلی نظام آینده این کشور باید پارلمانی باشد یا ریاست‌جمهوری تاکنون بارها مذاکرات به بن‌بست رسیده و در مجموع روند تدوین مواد قانونی را دچار تعویق کرده است. درحالی که جنبش النهضت به رهبری راشد الغنوشی از نظام پارلمانی دفاع می‌کند، شریک او در قدرت یعنی ائتلاف حزب کنگره برای جمهوری به رهبری المنصف المرزوقی رییس‌جمهوری فعلی تونس از نظامی دوگانه یا شبه‌پارلمانی دفاع می‌کند. گروه اقلیت مخالف در داخل این مجلس قانون اساسی باتوجه به آنچه می‌بیند خواستار یک نظام دوگانه است. در مجلس فعلی تونس حزب النهضت از اکثریت کرسی‌ها برخوردار است. بنابراین گروه اقلیت تلاش می‌کند از تکرار چنین تجربه‌ای به‌خصوص در انتخابات‌های آینده که قرار است بین بهار و تابستان سال ۲۰۱۳ برگزار شود جلوگیری کند. در همین رابطه صالح شعیب نماینده مستقل این مجلس که از حزب «فراکسیون برای کار و آزادی‌ها» جدا شده است، می‌گوید: نظام دوگانه به‌خصوص برای مرحله گذار کنونی برای تونس «مناسب‌تر» است. به گفته او بسیاری از کارشناسان اروپایی و تونسی نیز به چنین رویکردی توصیه می‌کنند. شعیب از جنبش النهضت انتقاد می‌کند که به رغم آنکه «بقیه گروه‌ها آن را رد کرده‌اند» همچنان خواستار تاسیس نظامی پارلمانی است و به همین خاطر نوشتن قانون اساسی را معطل گذاشته است. وی می‌افزاید: ما در حال حاضر در یک نظام پارلمانی زندگی می‌کنیم و می‌بینیم که یک نظام دیکتاتوری است زیرا اکثریت رای اقلیت را نمی‌پذیرد حتی اگر پیشنهادهایی منطقی داشته باشد. به نظر شعیب نظام پارلمانی این اجازه را می‌دهد که یک حزب واحد به غولی تبدیل شده و اکثریت کرسی‌ها را در اختیار داشته باشد. در این صورت اقلیت را در نهایت تبدیل به یک «دکور» می‌کند. وی جنبش النهضت را متهم می‌کند که می‌خواهد به این وسیله «بر کل حکومت چنگ اندازد». اساسا یک نظام پارلمانی اختیارات زیادی را به نخست‌وزیر می‌دهد حال آنکه رییس‌جمهوری از قدرت کمی برخوردار است. برعکس یک نظام دوگانه می‌تواند نوعی توازن را بین این دو یعنی نخست‌وزیر و رییس‌جمهور که هر دو در راس قوه‌مجریه هستند برقرار کند. در این رویکرد نخست‌وزیر نیز منتخب مردم خواهد بود نه مثل نظام پارلمانی که از سوی مجلس انتخاب می‌شود.

منبع: الجزیره



تشکیل هیات بررسی جرایم تاریخی «جنگ کثیف» در برزیل

باید حقیقت را بدانیم

ترجمه: گلناز فخاری

«برزیل باید حقیقت را بداند، این حق نسل جدید و تمام برزیل است.» دیلما روسف، رییس‌جمهوری برزیل در سخنرانی خود در برازیلیا این‌گونه به کشورش اعلام کرد که برای یافتن حقیقت در مورد جنایات ۲۰ساله نظامیان تلاش می‌کند.

او در ادامه گفت: «مهم‌تر از همه، کسانی که دوستان و اقوام خود را از دست دادند و کسانی که هنوز از جنایات آن روزها رنج می‌برند، سزاوار دانستن حقیقت هستند.»

پس از سال‌ها تلاش برای پشت سر گذاشتن گذشته و فراموش کردن بسیاری از خاطرات ناگوار، برزیل اکنون هیاتی تشکیل داده است تا در مورد جرایم تاریخی ننگین، که به‌نام «جنگ کثیف» در این کشور معروف شده است، تحقیق کند. این هیات هفت‌نفره دو سال مهلت دارد تا تحقیقات خود را درباره جنایات حقوق‌بشری تکمیل کند. در این راستا به آنها دسترسی تام و بی‌سابقه‌ای به زندانیان، فرماندهان ارتش و بایگانی‌های اطلاعاتی این دوره داده شده است. صدها نفر در این دوران مفقود شدند و بسیاری دیگر جان خود را از دست دادند. تظاهرات دانش‌آموزی و یک جنبش مسلح زیرزمینی به طرزی بیرحمانه در هم کوبیده شد. حکومت نظامیان که تا سال ۱۹۸۵ به طول انجامید بسیاری از مردم برزیل را عزادار عزیزان خود کرد.

در حدود ۹هزار نفر زندانی و شکنجه شدند. در میان این افراد یک عضو شورشیان مسلح چپی به‌نام دیلما روسف وجود داشت که امروز زمام حکومت برزیل را در دست دارد. روسف در ماه می کار خود به‌عنوان رییس‌جمهوری منتخب را آغاز کرد.

لایحه عفو عمومی برای مجرمان سیاسی که در زمان حکومت نظامیان وارد قانون شد، از برگزاری دادگاه توسط هیات حقیقت‌یاب جلوگیری خواهد کرد. با این حال، بسیاری از برزیلی‌ها امیدوارند که تشکیل این هیات و اقدامات آنها گامی باشد برای منسوخ کردن این لایحه؛ اتفاقی که در کشورهای همسایه برزیل، آرژانتین و اروگوئه افتاده است. قربانیان شکنجه زمانی طولانی است که برای ایجاد تغییر در قانون تلاش می‌کنند. «آملیا تلس» در سال ۱۹۷۲ به همراه همسرش در «سائوپائولو» یک قرارگاه پلیس که به‌نام «OBAN» معروف بود، زندانی شد. او و همسرش از اعضای حزب کمونیست زیرزمینی بودند. او درباره این دوران می‌گوید: «سلول من شماره X6 بود و تا جایی که به یادم می‌آید به مدت ۱۵روز در آنجا شکنجه شدم.»

او به یاد می‌آورد که پلیس برای تشدید فشار روحی بر او، کودکان کوچکش را در زندان به نزدش آورد. آنها چهار و پنج‌ساله بودند. «تلس» می‌گوید: «وقتی بچه‌ها من را دیدند، گفتند: «مامان چرا تو آبی هستی و بابا سبز بود؟» من به بدن خودم نگاه کردم و دیدم که سرتاسر بدنم به طور یکپارچه به دلیل شکنجه‌ها آبی شده بود.»

او همچنین در مورد اتاق‌هایی سخن می‌گوید که در آنها به او شوک الکتریکی وارد می‌کردند، در آب خفه‌اش می‌کردند و مجبورش می‌کردند که ساعت‌ها در وسیله‌ای به‌نام «جایگاه طوطی» بنشیند؛ «من روزها را بی‌هیچ امیدی به ادامه زندگی گذراندم، اما این امر که من امروز می‌توانم خاطراتم را بازگو کنم بدون اینکه دستگیر شوم یعنی پیروزی سیاسی.»

«پائولو سرجیو پینهیرو»، یکی از اعضای هیات حقیقت‌جو و دیپلمات اسبق سازمان ملل اظهار داشت که هیاتش امیدوار است بتواند اطلاعاتی را که به مدت ۲۷ سال پنهان بوده افشا کند. او در این‌باره گفت: «ما سعی داریم حلقه‌ای را که دستور شکنجه‌ها و کشتار را می‌داده است، احیا کنیم؛ چیزی که در حال حاضر روشن و آشکار نیست.»

دولت چاره‌ای نداشت جز اینکه بر خصومت‌های اعضای ارشد نظامی که بازنشسته شده‌اند غلبه کند و حالا هیات حقیقت‌جو باید با این امکان که بسیاری از بایگانی‌های اطلاعاتی از بین رفته‌اند، کنار بیاید. با این حال «پینهیرو» به اینکه این هیات به برزیل کمک خواهد کرد که با این گذشته تلخ کنار بیاید، خوشبین است.

او در این‌باره می‌گوید: «در برخی از ارکان دولت از شکنجه و اعدام استفاده می‌شود و این اقدامات باید هرچه سریع‌تر از بین بروند. کار و گزارش کمیته ما یک همکاری همه‌جانبه خواهد بود تا بتوانیم این میراث وحشتناک را کنارگذاریم.»بسیاری از برزیلی‌ها نیز باور دارند که تنها راه رسیدن به عدالت، یافتن حقیقت است. به تعداد افرادی که خواهان یافتن این حقیقت هستند هر روز اضافه می‌شود. گروهی از فعالان سیاسی جوان شروع به برگزاری تظاهرات در مقابل منازل سران ارتش که زمام حکومت را در دست داشتند، کرده‌اند. آنها قصد دارند تا از این طریق این افراد را در مقابل همسایگان‌شان و جامعه تقبیح کنند. یکی از قربانیان جنایات نظامیان که پدر خود را در آن دوران از دست داده است، گفت: «بزرگ‌ترین آرزوی من این است این افرادی را که با خیال راحت زندگی می‌کنند، انگار نه انگار اتفاقی افتاده است، بالای چوبه دار ببینم.»

منبع: سی‌ان‌ان

ادامه از صفحه ۶

قدرت مردم چین در سایه رشد تکنولوژی

■ به رغم تلاش‌های شبانه‌روزی دولت چین در سانسور شبکه‌های اینترنتی، اینترنت و ارتباطات شکل گرفته از طریق آن، هر روز قدرت بیشتری گرفته و گسترده‌تر شده است. آنچه امروز در چین در جریان است، زمانی، حتی یک رویا هم نبود. اما آیا پیامدهای تظاهرات کیدونگ و شیفانگ در همین دو شهر باقی می‌ماند یا موج ناشی از آن، به سایر نقاط چین سرایت می‌کند؟

به گمانم عاقلانه است اگر فعلا منتظر اتفاق بزرگ‌تری نباشیم. تجربه تاریخی و مشاهدات چندین و چند ساله من درباره چین نشان می‌دهد که مقامات پکن، در مقابل تمام اعتراضات واکنش یکسان نشان نمی‌دهند.

اگر مطالبات مردم، محدود به جمعیت یا محیط‌زیست باشد، دولت را از عقب‌نشینی باکی نیست، اما هرگونه اعتراضی نسبت به سیاست‌های اقتصادی، موجب ایجاد تغییرات اساسی در رویکرد مقامات پکن نخواهد شد. و اگر مردم چین، پا را فراتر گذاشته و خواهان آزادی‌های سیاسی بیشتری باشند، هیچ پاسخی از سوی مقامات، دور از انتظار نیست.

از طرفی، بسیاری از این اعتراضات، در سطح محلی یا حداکثر استانی رخ می‌دهند؛ جایی که فرمانداران و استانداران از استقلال نسبی و قدرت ویژه‌ای برخوردارند. بنابراین تحمل این اعتراضات نه‌چندان گسترده نه‌تنها به زیان مقامات نیست که به شکل سوپاپی عمل خواهد کرد که مانع از تجمع پتانسیل اعتراضی مردم شده و در نتیجه از شکل‌گیری اعتراضات گسترده‌تر جلوگیری خواهد کرد. هدف اصلی، جلوگیری از تبدیل یک اعتراض کوچک به یک ناآرامی بزرگ است و این درست همان سیاستی است که مقامات پکن، روی آن تمرکز می‌کنند.

اما از هر ۱۰ نفر در چین، حدود چهار نفر به اینترنت دسترسی دارند. در سایه رشد تکنولوژی، این رقم بیشتر و بیشتر خواهد شد. در گذشته، مقامات دولتی چین، در جریان گردش هرگونه اطلاعاتی از هر نقطه‌ای به نقطه دیگر قرار می‌گرفتند. امروز، به سبب مراودات اینترنتی مردم، دخالت در این امور تا حدی دشوار شده است. اینترنت، ضامن آزادی مردم چین نیست، هر چند بی‌تاثیر نیست، اما رشد تکنولوژی، به رشد آزادی‌های فردی کمک بسیاری خواهد کرد.

منبع: سی‌ان‌ان



